

شناخت نامہی تاجیکستان

دکتر لقمان بایمٹاف

تاجیکستان، کشوری در جنوب شرقی آسیای مرکزی، سابقاً با عنوان «جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان» بخشی از اتحاد جماہیر شوروی بود و در ۱۳۷۰ ش / ۱۹۹۱ به استقلال رسید. جمهوری تاجیکستان از شمال و مغرب با ازبکستان، از شمال شرقی با قرقیزستان، از مشرق با جمهوری خلق چین و از جنوب با افغانستان همسایہ است. مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع است.

در ۱۳۶۸ ش / ۱۹۸۹ جمعیت تاجیکستان ۵۰۹۲۶۰۳ تن بوده است، مشتمل بر ۶۲/۳ درصد تاجیک، ۲۳/۵ درصد ازبک، ۷/۶ درصد روس و ۱/۴ درصد تاتار تخمین زده شده و در ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ جمعیت آن ۶۲۰۰۰۰۰ تن بوده است. از نظر شهرنشینی، تاجیکستان در میان جمهوری‌های شوروی سابق در مرتبہ ی آخر قرار داشت؛ در ۱۳۷۷ ش / ۱۹۹۸ نیز فقط ۳۳ درصد مردم شهرنشین بودند. ترکیب جمعیت کشور با توجہ بہ آثار جنگ داخلی و خروج دسته‌جمعی روس‌ها و بسیاری دیگر از اروپایی تبارهای تاجیکستان تا حد زیادی دگرگون شد و شمار تاجیک‌ها

بہ حدود ۷۰ درصد، ازبک‌ها ۲۵ درصد و روس‌ها بہ ۲/۷ درصد از کل جمعیت تاجیکستان رسید.

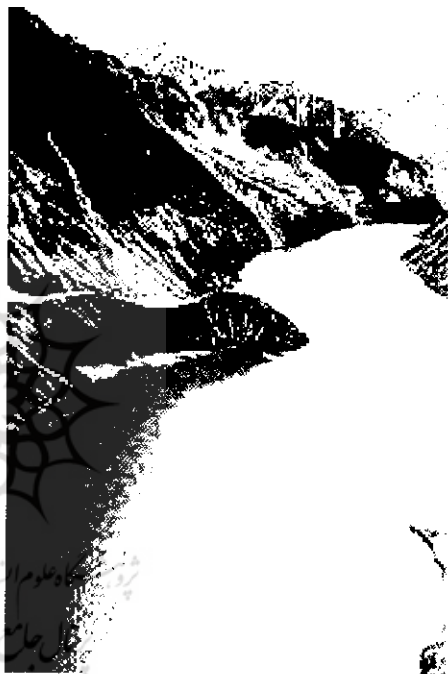
پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر تاجیکستان «دوشنبہ» است. خجند، کولاب، قرغان تپہ، اوراتپہ و پنجکند/ پنجیکت از شهرهای مهم تاجیکستان‌اند. حدود ۹۷ درصد از مردم، مسلمان و بیشتر آنها حنفی مذهب‌اند. حدود ۵ درصد از جمعیت تاجیکستان، شیعه اسماعیلی‌اند کہ عمدتاً در بدخشان زندگی می‌کنند. در تاجیکستان، تصوف نفوذ اندکی دارد؛ طریقت «نقشبندیہ» تا اندازہای در میان اهل سنت نفوذ دارد. زبان رسمی کشور «تاجیکی» است.

اقتصاد تاجیکستان در دورہ شوروی، متمرکز و دولتی بود و اساساً مسکو آن را ہدایت می‌کرد. در میان جمهوری‌های شوروی سابق چہ پیش از استقلال و چہ پس از آن، تاجیکستان فقیرترین جمهوری بودہ است. تاجیکستان شدیداً بہ نظام اقتصادی شوروی وابستہ بود و پس از فروپاشی شوروی و نظام تجاری آن در ۱۳۷۰ ش / ۱۹۹۱ و شروع جنگ داخلی در ۱۳۷۱ ش / ۱۹۹۲، واحدهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی آن بہ شدت آسیب دید و از فعالیت آنها تا حد زیادی کاستہ شد. در نتیجہ ی جنگ‌های داخلی، سطح زندگی مردم بسیار پایین آمد، بہ نحوی کہ در اوایل ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ حدود ۸۰ درصد از مردم در فقر بہ سر می‌بردند.

صادرات اصلی تاجیکستان، آلومینیوم، نیروی برق، پنبه و منسوجات است. در اردیبهشت ۱۳۷۴ش/مه ۱۹۹۵ تاجیکستان واحد پول خود، روبل تاجیکی را منتشر کرد. با کاسته شدن متوالی ارزش روبل تاجیکی، تاجیکستان برای تقویت نظام مالی و بانکی خود در مهر ۱۳۷۹/اکتبر ۲۰۰۰ پول جدیدی به نام «سامانی» را جانشین پول پیشین کرد.

پیشینه: اسلاف تاجیکان کنونی، که اقوامی آریایی تبار و رمه‌دارانی کوچرو بودند، بین ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م. عمدتاً بین دو رود «آمودریا» و «سیردریا» ساکن شدند. از ۷۰۰ تا ۳۰۰ ق.م. «سکاها» به آنان هجوم می‌آوردند. در

دوره ی کوروش کبیر (سده ی ششم پیش از میلاد) تاجیکستان کنونی ضمیمه پادشاهی هخامنشیان شد. شاهان ایرانی بر باکتريا/باختر که شامل جنوب تاجیکستان و افغانستان می‌شد و سغد که جنوب ازبکستان و بخش غربی تاجیکستان را در بر می‌گرفت، حکومت می‌کردند. در سده ی چهارم پیش از میلاد اسکندر مقدونی با تصرف قلمرو هخامنشیان، بر تاجیکستان کنونی نیز سلطه یافت. پس از اسکندر، سلوکیان و در فاصله ی سال‌های ۳۰۰ تا ۱۴۰ ق.م. دولت یونانی باختر، تاجیکستان را در تصرف داشتند. دولت یونانی باختر را سکاها سرنگون کردند. پس از مدتی «یوننه چی» به نام «کوشان» در ۲۷۰ ق.م. امپراتوری کوشان را تاسیس کرد که در اواخر سده سوم میلادی رو به ضعف نهاد. در اواخر سده ی چهارم میلادی باختر و تخارستان از قلمرو دولت کوشانی به تصرف ساسانیان درآمد. در نیمه‌های سده



ی ششم میلادی اقوام ترک بیابانگرد به تدریج به آسیای مرکزی آمدند و با ساسانیان درگیر شدند. در این زمان سرزمین‌های کنونی تاجیکستان جنوبی و ازبکستان و ترکمنستان در تصرف ایران و نواحی شمالی در دست ترک‌ها بود.

مسلمانان در حدود سال ۵۰ تا اوایل ۱۳۰ م. مهم‌ترین ولایات این منطقه را فتح کردند و اسلام به تدریج در میان مردم نفوذ یافت. در فاصله ۲۶۱ تا ۳۸۹ تاجیکستان بخشی از قلمرو سامانیان بود تا این که ترکان قراخانی با تصرف بخارا، سامانیان را سرنگون کردند و بر آسیای مرکزی

مسلط شدند. در نیمه دوم سده ی پنجم، ترکان سلجوقی با هجوم به آسیای مرکزی، قراخانیان را خراج گزار خود کردند. سلطان محمد خوارزمشاه در ۶۰۹ قراخانیان را سرنگون کرد. با ورود مغولان به آسیای مرکزی از ۶۱۷ تا ۶۱۹ دولت خوارزمشاهیان فروپاشید. از آن پس تا ۱۵۰ سال بعد قبایل مختلفی، از جمله جغتایی‌ها، بر آسیای مرکزی مسلط بودند تا اینکه تیمور در ۷۷۱ دولت مستقل خود را در این منطقه بنا نهاد و از جمله تاجیکستان کنونی را به تصرف درآورد.

دولت تیموریان در اوایل سده ی دهم با حمله ی ازبک‌های شیبانی از میان رفت. در ۱۰۰۷ ازبک‌های اشترخانی جای شیبانیان را گرفتند. در ۱۱۵۳ نادر شاه، بخارا را تصرف کرد و اشترخانیان تا ۱۱۶۰ که نادرشاه کشته شد، خراج گزار ایران بودند. در ۱۱۵۳ محمد رحیم‌بی، ابوالفیض خان اشترخانی را به قتل رساند و پایه گذار سلسله ی «منغیت» در بخارا شد. در ۱۸۶۶/۱۲۸۳ روس‌ها، خجند، اوراتپه، قلعه ناو و در ۱۸۶۸/۱۲۸۵ بخش علیای رود زرافشان از جمله پنجکند را گرفتند، در ۱۸۶۹/۱۲۸۶ امیر بخارا، حصار و کولاب را به قلمرو خود ضمیمه کرد؛ بدین ترتیب، شمال تاجیکستان به روسیه ی تزاری و جنوب آن به امارات بخارا ملحق شد.

در ۱۸۹۲/۱۳۰۹ واحدهای روسی وارد پامیر شرقی شدند. در ۱۹۱۶/۱۳۳۴ مردم آسیای مرکزی، از جمله اهالی خجند و دیگر بخش‌های تاجیکستان شمالی، به سبب فرمان تزار روسیه برای سربازگیری، بر او شوریدند. در رجب ۱۳۳۶/آوریل ۱۹۱۸ شمال تاجیکستان بخشی از جمهوری خودمختار شوروی ترکستان گردید. با این حال «باسماجیان» در بخش‌های مختلف منطقه، از جمله در تاجیکستان شمالی، در برابر نیروهای شوروی مقاومت کردند و تا بهمن ۱۳۰۰/فوریه ۱۹۲۱ نیروهای شوروی موفق به تصرف کامل بخارای شرقی و از جمله دوشنبه شدند. در مهر ۱۳۰۳ اکتبر ۱۹۲۴ در نتیجه مرزبندی‌های ملی در آسیای مرکزی، جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان تاسیس شد. جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی تاجیکستان - که شامل دوازده ناحیه از جمهوری خودمختار ترکستان و پنج ولایت بخارای شرقی (پس از سرنگونی امیربخارا در محرم ۱۳۳۹/سپتامبر ۱۹۲۰، جمهوری خلق بخارا نام گرفته بود) می‌شد- در درون جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان قرار داشت. در دی ۱۳۰۴/ژانویه ۱۹۲۵ ولایت پامیر- که بعداً ولایت خودمختار بدخشان کوهی نام گذاری شد- به عنوان بخشی از جمهوری خودمختار تاجیکستان ایجاد شد. قیام باسماجیان تا ۱۳۰۵/۱۹۲۶ با شدت تمام در قلمرو تاجیکستان کنونی ادامه یافت. در ۲۴ مهر ۱۳۰۸/شانزدهم اکتبر ۱۹۲۹ «جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان» با الحاق ولایت خجند- که پیش از آن بخشی از ازبکستان بود- رسماً ایجاد شد. در دوره ی شوروی، مزارع تاجیکستان اشتراکی شد و صنایع سبک و سنگین گوناگونی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم در آنجا ایجاد گردید، ولی سطح زندگی مردم پایین باقی ماند، به گونه‌ای که در ۱۳۶۸/۱۹۸۹، ۲۵/۷ درصد مردم تاجیکستان بیکار بودند. در این دوره مبارزه با مذهب منجر به تعطیلی بیشتر مساجد و مدارس دینی گردید. از ۱۳۰۶/۱۹۲۷ تغییر تدریجی خط از فارسی به الفبای لاتینی

آغاز شد تا اینکه در ۱۳۰۸ش/۱۹۲۹ خط لاتینی رسمیت یافت و در ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰ الفبای «سیریلی» جای آن را گرفت.

با روی کار آمدن گورباچف در ۱۳۶۴ش/۱۹۸۵، در تاجیکستان همانند دیگر جمهوری‌های شوروی، مبارزه با فساد آغاز شد. در نتیجه این سیاست، «رحمان نی‌اف» که از ۱۳۶۱ش/۱۹۸۲ دبیر اول حزب کمونیست تاجیکستان بود، به فساد مالی و خویش و قوم بازی متهم شد و جای خود را به «قهار محکوموف» داد. در این دوره به تدریج از شدت سانسور کاسته و آزادی بیان به ویژه در مطبوعات بیشتر شد. در ۱۳۶۸ش/۱۹۸۹ «تاجیکی»، زبان رسمی اعلام گردید.

در بهمن ۱۳۶۸/فوریه ۱۹۹۰ به دنبال شایعاتی مبنی بر اسکان آوارگان ارمنی در شهر دوشنبه، مردم اعتراض کردند و در نتیجه درگیری آنان و نیروهای پلیس عده‌ای زخمی یا کشته شدند. مردم در تظاهرات خود خواستار اصلاحات اقتصادی و سیاسی، بازگشایی مساجد و احیای فرهنگ ملی خود بودند. به دنبال این درگیری‌ها، فعالیت حزب رستاخیز و حزب دموکراتیک تاجیکستان و حزب نهضت اسلامی، غیرقانونی اعلام شد. در آبان ۱۳۶۹/نوامبر ۱۹۹۰ محکوموف به ریاست جمهوری برگزیده شد. در نهم شهریور ۱۳۶۹/۳۱ اوت ۱۹۹۰ محکوموف که با کودتای نظامیان بر ضد گورباچف مخالفت نکرده بود، به دنبال تظاهرات گسترده مردم مجبور به استعفا شد. در هجدهم شهریور/نهم سپتامبر شورای عالی تاجیکستان به استقلال تاجیکستان رای داد.

جنگ داخلی تاجیکستان در اوایل ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳ تا حد زیادی آرام شد، ولی درگیری‌ها با شدت کمتری تا چند سال بعد ادامه یافت. در خرداد ۱۳۷۲/ژوئن ۱۹۹۳ دیوان عالی رسماً فعالیت حزب نهضت اسلامی تاجیکستان، سازمان لعل بدخشان، سازمان رستاخیز و حزب دموکراتیک تاجیکستان را غیرقانونی اعلام کرد و عملاً تنها حزب کمونیست تاجیکستان را قانونی دانست. مذاکرات صلح میان حکومت و مخالفانش از فروردین ۱۳۷۳/آوریل ۱۹۹۴ در مسکو تحت نظارت سازمان ملل و در حضور نمایندگان از جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، روسیه و ایالات متحده آمریکا آغاز شد.

در انتخابات ریاست جمهوری در پانزدهم آبان ۱۳۷۳/ششم نوامبر ۱۹۹۴، رحمانف با ۵۸ درصد آرا بر تنها رقیب خود عبدالله جانف، که ۳۵ درصد آرا را کسب کرد، پیروز شد. در همین انتخابات ۹۰ درصد رای دهندگان قانون اساسی جدید را تأیید کردند. پس از مذاکرات طولانی نمایندگان حکومت با مخالفان آن، در مسکو، کابل، آلماتا، عشق آباد، بیشکک، مشهد و به ویژه در تهران، سرانجام «سیدعبدالله نوری» رهبر حزب نهضت اسلامی و «مامعلی رحمانف»، سازش‌نامه عمومی استقرار صلح و سازگاری ملی را در پنجم مرداد ۱۳۷۶/۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ در مسکو امضا کردند و رسماً به جنگ داخلی پنج ساله پایان دادند.